

Analysis of Mena Incident Monodies*

Dr.Sepideh Yeqaneh

Professor of Al-Zahra University

Abstract

The Mena incident in 2015, which resulted in the death of a large number of pilgrims of Kaaba, is considered by the Iranian poets as a historical context and led to the formation of a new flow in contemporary monody. A collection of these works has been published under the name of “Mena minus many” by Literature County publishing. The high frequency of sonnet among the poems provided a ground for conducting a research on the correlation of its textual levels with the historical context. Accordingly, Mena's monodies in the format of sonnet were studied at three levels of music, rhetoric (traditional rhetoric) and theme. The results of textual investigations show that these sonnets are conceptual and contextual, and their three levels, having a reciprocal relationship, concentrate on transiting an explicit message to the reader; In a way that its two levels of music and rhetoric have been formed, using instruments such as the allegory to Ashura, avoiding of verbal figures, the frequency of sentences with a secondary motives of regret and grief, as well as limited metaphorical imagination, along with the main idea that is informing and describing Mena and its consequences. Other sub-motives also have been used by the poets such as “sanctification of the dead”, “content approximation with the event of Karbala” and “rebuking and threatening the dealers of Mena” in order for thematization and making links between the text and the context.

Keywords: Monody; Mena Incident; Sonnet; Textual Study.

* Date of reciving: 2017/4/9

Date of final accepting: 2018/1/15

- email of responsible writer: s.yeqaneh@alzahra.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه
سال بیستم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۴۱
صفحات ۴۹ الی ۶۹

تحلیل و بررسی سوگ‌سروده‌های واقعه‌ منا* (با تکیه بر گزیده اشعار «منا منهای بسیاران» و قالب غزل)

دکتر سپیده یگانه^۱
استادیار دانشگاه الزهرا(س)

چکیده:

رخداد واقعه‌ منا در سال ۱۳۹۴ هـ. ش، که به کشته شدن شمار زیادی از زائران بیت‌الله‌الحرام منجر شد، به‌عنوان یک فرامتن تاریخی مورد توجه شاعران ایران قرار گرفت و به شکل‌گیری زیرجوانی نو در سوگ‌سرایی معاصر انجامید. مجموعه‌ای از این آثار با عنوان «منا منهای بسیاران» به همت انتشارات «شهرستان ادب» منتشر شد. بسامد غزل در میان سروده‌ها، زمینه انجام پژوهشی پیرامون رابطه تناظری سطوح متنی آن با فرامتن تاریخی منا فراهم آورد. بر این اساس، سوگ‌سروده‌های منا در قالب غزل در سه سطح «موسیقایی، بلاغی (بلاغت سنتی) و انگاره‌ای» مورد بررسی قرار گرفت.

برآیند بررسی‌های متنی نشان می‌دهد این غزل‌ها آثاری معناگرا و فرامتن‌محورند و سطوح سه‌گانه آن در ارتباطی متقابل، بر انتقال صریح و روشن پیام به خواننده تمرکز دارند؛ به این صورت که دو سطح موسیقایی و بلاغی، با استفاده از ابزارهایی چون تلمیح به واقعه عاشورا، دوری از آرایه‌های لفظی، بسامد جملات امری با اغراض ثانوی اظهار تأسّف و اندوه و نیز بیان استعاری و تخیلی محدود، در راستای انگاره اصلی شکل گرفته‌اند که همان اخبار و توصیف واقعه‌ منا و پیامدهای آن است. زیرانگاره‌های دیگری نیز چون «تقدیس کشته‌شدگان»، «تقریب محتوایی با واقعه کربلا» و «توییح و تهدید دست‌اندرکاران واقعه‌ منا» در مضمون‌پردازی و برقراری ارتباط میان متن و فرامتن مورد استفاده شاعران قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: سوگ‌سرایی، واقعه‌ منا، غزل، بررسی متنی.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۰

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: s.yeganeh@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

واقعه‌ی منا در سال ۱۳۹۴ هـ. ش، یکی از معدود فرامتن‌های تاریخی در دهه‌ی اخیر جامعه‌ی اسلامی است که بازتاب وسیعی در ادبیات معاصر ایران داشته تا آنجا که به شکل‌گیری زیرشاخه‌ای نو در سوگ‌سرایی معاصر انجامیده است. با گذشت حدود یک‌سال از این رویداد، اشعار بسیاری در این زمینه سروده شد که گزینه‌ای از آن در کتابی با عنوان «منا منهای بسیاران» (۱۳۹۵) به چاپ رسید. مجموعه‌ی مذکور شامل ۱۶۵ اثر در قالب‌های غزل (۷۲ اثر)، رباعی (۴۶ اثر)، چهارپاره (۱۶ اثر)، سپید (۱۳ اثر)، قصیده (۱۱ اثر)، مثنوی (۳ اثر)، نیمایی (۲ اثر)، قطعه و طرح (هر کدام ۱ اثر) می‌شود.

در این پژوهش، به بررسی و تحلیل متنی مجموعه‌ی مذکور به‌عنوان تنها منبع چاپی سوگ‌سروده‌های منا، و با تکیه بر قالب غزل (دارای بیشترین بسامد) پرداخته می‌شود و هدف از آن، استخراج ویژگی‌های متنی در سه سطح موسیقایی، بلاغی (بلاغت سستی) و انگاره‌ای^۱ و کشف ارتباط تناظری آنهاست.

سطوح مذکور دربرگیرنده‌ی موارد زیر است:

الف- سطح موسیقایی شامل لایه‌های چهارگانه‌ی موسیقی کناری، بیرونی، داخلی و معنوی؛

ب- سطح بلاغی شامل مباحث بدیع، بیان، معانی و مقوله‌های کارکرد بلاغی پاره‌ای از مباحث دستوری؛

ج- سطح انگاره‌ای شامل زمینه‌های معنایی-عاطفی و پس‌زمینه‌های فکری-فلسفی آثار.

استفاده از نمودار و نمایه نیز برگرفته از رویکرد جدید الگوهای فشرده‌سازی در تاریخ ادبی است که در نتیجه‌گیری ذهنی خواننده مؤثرند.^۲

۱-۱- پیشینه

با سیری در مواضع پژوهشی شعر معاصر، پیشینه‌ای مستقل و مرتبط با بررسی متنی سوگ‌سرایی یافت نمی‌شود. تنها در بخشی از بررسی‌های انجام شده پیرامون ادبیات

پایداری، به سوگ‌سرایی در شعر دفاع مقدس و ویژگی‌های متنی آن اشاره شده است. به‌عنوان نمونه، طبقه‌بندی محتوایی شعر جنگ در کتاب «نقد و تحلیل شعر دفاع مقدس» (۱۳۷۷) از منوچهر اکبری قابل ذکر است که بخش چهارم آن به تحلیل محتوایی مرثیه‌ها و سوگ‌سروده‌های شعر جنگ می‌پردازد، «شکوه شقایق» (۱۳۸۱) از ضیاء‌الدین ترابی نیز متشکل از دو بخش است: در بخش اول که به ویژگی‌های کلی زبانی، ساختاری و محتوایی آثار اختصاص دارد، به سوگواری در شعر شاعران جنگ اشاره‌ای مختصر شده است، دو کتاب «ادبیات دفاع مقدس» (۱۳۹۰) و «نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس» (۱۳۸۵) از محمدرضا سنگری، ذیل شاخصه‌های محتوایی شعر دفاع مقدس، به سوگ‌سرایی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی محتوایی - بویژه در آثار نیمه دوم جنگ - پرداخته‌اند. همچنین است رویکرد آثاری از جمله: «بررسی شعر دفاع مقدس» (۱۳۸۵) از علی مکارمی‌نیا، «شعر مقاومت و دفاع مقدس» (۱۳۹۰) از افسانه شیرشاهی، «آشنایی با ادبیات دفاع مقدس» (۱۳۸۹) از محمدحسین صنعتی و مانند آنها. در این باره، مقاله‌ای نیز با عنوان «بازتاب فرامتن تاریخی در سوگ‌سروده‌های دفاع مقدس» (۱۳۹۵) از سپیده یگانه، مهین پناهی و مهدی نیک‌منش در دست است که علاوه بر بررسی سطوح متنی آثار، به ارتباط تناظری متن و فرامتن نیز می‌پردازد و در پی تحلیل تاریخی ویژگی‌های ادبی سوگ‌سروده‌های دفاع مقدس است. مقالات دیگری نیز به بررسی یک مفهوم در سوگ‌سروده‌های معاصر پرداخته‌اند و یا ضمن تحلیل محتوایی، اشاره‌ای به رثا داشته‌اند؛ از جمله «بررسی عنصر حسرت در اندوه‌یادهای شاعران معاصر» (۱۳۸۹) از یدالله جلالی پندری، محمدکاظم کهدویی و مژگان میرحسینی و مقاله «شعر و شعور در آینه: بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر فارسی» (۱۳۸۹) از محمود مهرآوران.

اگرچه نوپایی سوگ‌سروده‌های منا، به‌عنوان یک زیرجریان نوظهور در سوگ‌سرایی معاصر، دلیلی بر فقدان پیشینه پژوهشی آن به حساب می‌آید؛ اما کثرت سروده‌ها، ارائه پژوهشی با عنوان «تحلیل و بررسی سوگ‌سروده‌های واقعه‌ی منا» را ضروری می‌نماید.

۲. بحث اصلی

رثا در لغت به معنی «مرده‌ستایی و گریه کردن بر مرده و ذکر نیکی‌های او، همچنین شعر گفتن در باب مرده با اظهار تأسف است و مرثیه نیز نوعی شعر است که به یاد مرده و در ذکر محاسن او و تأسف از مرگ وی سروده می‌شود» (دهخدا، ۱۳۵۸، ذیل واژگان).

سوگ‌سرایی (رثا) یکی از زیرشاخه‌های شعر غنایی است که رویکرد انگاره‌ای آن بر مبنای بیان احساسات و عواطف سراینده شکل می‌گیرد. رثا در شعر عرب و ادبیات اروپایی نیز وجود دارد. اعراب از دوران جاهلیت به رثا و مفاخره بیش از دیگر انواع توجه داشتند. در اروپا نیز سوگ‌سرایی به زیرشاخه‌هایی تقسیم می‌شود.^۳

مرثیه در شعر فارسی دارای قالب‌های متنوعی است که عبارتند از: قصیده، قطعه، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی. گستره سوگ‌سرایی از نخستین دوران شعر فارسی (دوران رودکی) آغاز می‌شود و به دوران معاصر می‌رسد. (رزمجو، ۱۳۹۰، صص ۱۳۳-۱۱۶)

سوگ‌سرایی به‌عنوان یک زیرشاخه، از معنای لغوی خود فراتر رفته و دارای دو محور انگاره‌ای است: مرگ افراد خاص (پادشاه، وزیر، رجال علم و ادب، ائمه دین بویژه امام حسین (ع)، نزدیکان و آشنایان و حتی خود سراینده) و بیان آلام و مصائب من فردی و اجتماعی (شامل فقدان و تباهی ارزش‌ها، گذشت ایام جوانی، زوال دوره مجد و...) ^۴.

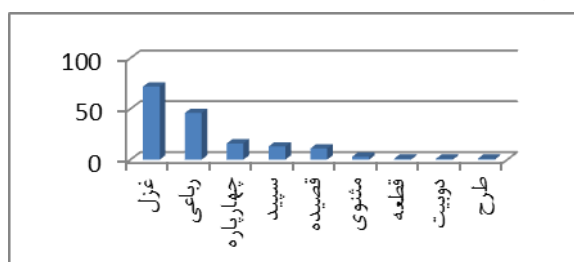
بر این اساس، سوگ‌سرایی با عناصر فرامتنی (context)، بویژه اندیشگی و تاریخی، در پیوند است و در یک فضای ارتباطی تناظری با آنها، با اوج و فرودها و رویکردهای متفاوت روبه‌رو می‌شود. منظور از فرامتن «مجموعه سازه‌هایی است که گرچه بیرون از متن قرار دارند، اما پیوسته با آن در تعامل هستند و مهمترین آنها عبارتند از رسانه‌ها، ارتباط با ملل دیگر، آحاد انسانی، ایدئولوژی، قدرت سیاسی، اقتصاد، حوادث تاریخی و محیط جغرافیایی» (زرقانی، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

به عبارت دیگر، فرامتن عبارت است از آنچه بیرون متن است، اما بر متن تأثیر دارد. این تأثیر و رابطه میان متن و فرامتن، رابطه‌ای علی و معلولی نیست؛ بلکه بر مبنای نسبتی تناظری مبتنی است. در این رابطه دو وضعیت توصیف می‌شود که با «نظر» به یکدیگر شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند. «به این ترتیب، ضمن اینکه هر یک به‌طور مستقل رشد درونی خود را دارند، تحت تأثیر یکدیگر قرار گرفته، بینشان رابطه تأثیر و تأثر متقابل برقرار می‌گردد» (زرقانی، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

بر این اساس، سوگ‌سرایی جریان فرامتن‌محور محسوب می‌شود؛ زیرا زمینه‌سرایش آن، رویداد یک فرامتن تاریخی است که اغلب، مرگ فردی یا افرادی است که برای شخص سراینده یا ملتی که او نماینده شعور جمعی آن است، شناخته شده یا مورد احترام و اعزاز است. می‌توان سوگ‌سروده‌ها را، از نظر انگاره‌ای به مرثیه‌های شخصی (در رثای عزیزی از متعلقان سراینده) و مرثیه‌های عمومی (در رثای شاخص‌های دینی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی) تقسیم کرد.

سوگ‌سرایی در رثای واقعه‌ منا، یکی از زیرشاخه‌های مرثیه‌سرایی در شعر معاصر است که اگرچه زمان زیادی از آن نمی‌گذرد (از سال ۱۳۹۴ تاکنون) و شعری نوپا محسوب می‌شود، اما کمیت قابل توجهی را در بر می‌گیرد. همان‌طور که در مقدمه آمد، در بررسی‌های ابتدایی این آثار درمی‌یابیم که تنوع قالب‌های شعری یکی از ویژگی‌های این سروده‌هاست. فراوانی مذکور در نمودار (۱) ارائه می‌شود:

نمودار (۱): فراوانی سوگ‌سروده‌ها به تفکیک قالب‌های شعری



با توجه به نمودار (۱)، بیشترین سوگ سروده‌های منا، در قالب غزل (۷۲ اثر) و پس از آن رباعی (۴۶ اثر) سروده شده‌اند و این فراوانی سبب شد جامعه آماری پژوهش بر ویژگی‌های متنی قالب غزل، محدود شود.

با نگاهی به غزل‌سرایان درمی‌یابیم که بیشترین آثار به شاعران مرد با بسامد ۶۶ درصدی اختصاص دارد - هر چند که حضور زنان شاعر نیز در این مقوله قابل مشاهده است. غزل‌ها به کوتاهی تمایل دارند و بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به سروده‌های ۶ بیتی (۲۳ اثر)، ۷ بیتی (۱۸ اثر) و ۵ بیتی (۱۲ اثر) است. درکل، تعداد ابیات از ۱۷ بیت تجاوز نمی‌کند و تنها، تعداد ابیات ۹ غزل، به بیش از ۱۰ بیت می‌رسد. برای بررسی دقیق‌تر غزل‌های سروده شده در ارتباط با واقعه منا، سه سطح زیر بررسی شد:

الف - سطح موسیقایی

رعایت قافیه و ردیف زمینه‌ساز ایجاد لایه‌ای از موسیقی به نام موسیقی کناری است و قالب غزل به‌عنوان قالبی سنتی به رعایت نظام قافیه التزام دارد. با نگاهی به قافیه‌بندی سوگ سروده‌ها درمی‌یابیم که نسبت استفاده از قافیه‌های آسان با دایره واژگانی گسترده (مختوم به آ، آن، آر و...)، به قافیه‌های سخت با دایره واژگانی محدود (مختوم به اوش، اُفته، آج، آنده و...)، تقریباً نسبتی مساوی است و این تساوی نشان‌دهنده آن است که آشنایی‌زدایی این لایه در جایگاه میانه و متوسط قرار دارد.

فراوانی ۹۳ درصدی ردیف (=۶۷ غزل مردف) نیز در تقویت موسیقایی شعر مؤثر است و در راستای تکامل کارکرد موسیقایی قافیه ارزیابی می‌شود. در این میان، بسامد ردیف‌های فعلی بسیار چشم‌گیر است؛ و این فراوانی، امکان ترکیب‌سازی قافیه و ردیف را از بین می‌برد و زمینه برای آشنایی‌زدایی در محور هم‌نشینی، با محدودیت روبه‌رو می‌شود.

از بررسی زمان و شخص ردیف‌های فعلی مشخص می‌شود تمرکز آثار بر زمان گذشته (برای توصیف رویداد منا) و زمان حال (برای توصیف پیامدهای رویداد منا) به یک اندازه است و بیشترین بسامد متعلق به ماضی ساده (با ۱۲۲ فعل از مجموع ۳۰۹

فعل) و مضارع اخباری (با ۱۱۵ فعل) است که «اطلاع‌رسانی و اخبار» از عملکردهای عمده هر دو به حساب می‌آید.^۵ علاوه بر این نیمی از ردیف‌های فعلی (۲۴ اثر از مجموع ۴۸ غزل مردف به ردیف فعلی) در سوم شخص مفرد به کار رفته‌اند و روشن می‌شود که بیشتر آثار در رثای «او»ی غایب سروده شده است که با توجه به ارتباط اشعار با واقعه‌ی منا، بی‌شک یک فرد خاص از شهدا و یا یک شهید نوعی در واقعه‌ی منا مد نظر است. پس از این، با فاصله زیاد آماری (۷ غزل)، ردیف‌های فعلی دوم شخص جمع قرار می‌گیرند که یا گروه شهدای منا مرجع آن است و یا مقصّران رخداده‌ی منا.

در لایه موسیقی کناری، بیشترین بسامد، به ترتیب، متعلق است به بحرهای رمل، مضارع، مجتث و با کمی فاصله، بحر هزج. بر این اساس میزان استفاده از بحرهای جویباری و خیزابی^۶ مساوی است و سراینده‌گان در رویارویی با واقعه، موضعی دوگانه اتخاذ کرده‌اند: سوگ‌سرایی با القای سکون و ملایمتی اندوهناک و در مقابل آن القای حرکت و پویایی خشم‌آگین.

هرگاه تمرکز انگاره بر توصیف واقعه سوگناک باشد، اوزان جویباری و هرگاه بر پیامدهای آن متمرکز شود، اوزان خیزابی خواهد بود. هر یک از بحرهای نیز بار معنایی خاصی دارد و دارای ظرفیت انتقال بن‌مایه‌های انگاره‌ای به مخاطب است؛ «وزن نوعی ایجاد بی‌خویشتنی و تسلیم است برای پذیرفتن خیالی که در نفس کلام مخیل وجود دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸، صص ۳۸ و ۳۹).

بحر رمل یکی از پرکاربردترین بحرهای شعر فارسی است و بیشترین سوگ سروده‌های منا نیز در این بحر سروده شده‌اند. غیر چند مورد معدود، تمامی غزل‌ها، وزنی شفاف دارند و براحتی می‌توان با موسیقی حاصل از آن، همراه شد. نکته دیگر بسامد ارکان هشت‌تایی (در ۶۱ غزل) است که گستردگی ابیات و تمایل شعر را به اطناب در محور افقی نشان می‌دهد و برای مرثیه‌سرایی لازم می‌نماید:

– ای کاروان گم‌شده در خاک! بر چشمتان غبار کشیدند

در انتظار قافله بعد، ماندند و انتظار کشیدند

(امیرعلی سلیمانی، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۵۶)

- پیش چشمان بی تفاوت مرگ، زائری زیر دست و پا رفته

و کسی جز خدا نمی‌داند بر دل مادرش چه‌ها رفته

(زینب احمدی، همان، ص ۹۴)

موسیقی داخلی در آثار مورد بررسی، کم‌رنگ ارزیابی می‌شود و بیشترین بسامد تنها به سجع متوازی (۱۰۰ مورد) و مطرف (۶۸ مورد) اختصاص دارد و انواع جناس (۳۶ مورد) و تکرار (۲۸ مورد) در آن، نمود قابل توجهی ندارند. ضعف موسیقی داخلی نشان می‌دهد معناگرایی و تمرکز بر انتقال پیامی خاص زمینه دوری شاعر از لفظ‌گرایی را فراهم آورده است. نمونه‌هایی از مطالب مذکور در ادامه می‌آید.

* سجع متوازی و مطرف

- کلیددار حرم از تبار شیطان بود که غیر طایفه‌اش هیچ افتخار نداشت

(ساجده جبّارپور، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۳۰۶)

- ظلمی که در مناست و در کربلا، یکی است

در ده هزار حنجره لحن صدا، یکی است

(سید علیرضا شفیعی، همان، ص ۲۶۴)

در لایه موسیقی معنوی، بیشترین فراوانی متعلق به تلمیح (۷۹ مورد) است و پس از آن، با فاصله آماری زیاد، جان‌بخشی (۱۶ مورد) و مراعات‌النظیر (۱۴ مورد) قرار دارد. تلمیح با دو ژرف‌ساخت «تشابهی» و «تناسبی» اگرچه در القای غیرمستقیم مفاهیم به ذهن خواننده مؤثر است؛^۱ اما کارکرد دیگر آن در تقویت سطح انگاره‌ای است. محورهای اصلی تلمیح در این آثار، به ترتیب بسامد عبارتند از:

الف - واقعه عاشورا؛ تشنگی، حجّ ناتمام، شهادت در راه معشوق، مسلمان‌کشی از

جمله مفاهیم مشترکی است که واقعه منا را با واقعه عاشورا پیوند می‌زند و آن را به عمده‌ترین زیرانگاره سوگ‌سروده‌های منا، تبدیل می‌کند. تقریب محتوایی این دو رویداد، سبب نمود چشمگیر تلمیح به واقعه عاشورا شده است.

ب - مناسک حج؛ شامل احرام، تلبیه (لَبَّيْكَ گفتن در حج)، رمی جمرات، طواف و مانند آن.

ج - آداب و رسوم ایرانی در باب سفر حج؛ شامل بدرقه و چاووش خوانی، پیشواز مسافر، چراغانی و نصب نوشته‌های خوشامدگویی بر دیوار، سوغات و رهاورد سفر.

د - تاریخ انبیا؛ با تمرکز بر حضرت ابراهیم (ع) در بنا کردن کعبه و ذبح اسماعیل (ع).

در ادامه نمونه‌هایی از موارد مذکور عرضه می‌شود:

- به گمانم که عطش شرط لقاءالله است باز هم آب در این سفره مهمانی نیست
(محمدحسین ملکیان، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶)

- خبر دهید به شیطان، خیال خام نبندد که من شهیدم و در رمی دائم جمراتم
(میلاد عرفان‌پور، همان، ص ۴۷)

- پیش رو چاووش خوانان را ببین جامه‌دران

کاروان را در غروبی گریه‌جوش آورده‌اند

(محمدحسین انصاری‌نژاد، همان، ص ۳۸)

- خیل اسماعیل‌ها این بار قربانی شدند آه! صدها نه، هزاران بار قربانی شدند

(هادی فردوسی، همان، ص ۷۱)

تلمیح به «رستاخیز و روز قیامت»، «حضرت ولی عصر (عج)» و داستان «ابرهه و اصحاب فیل» نیز، هرچند کم‌رنگ‌تر از موارد پیشین، مورد استفاده شاعران قرار گرفته است.

همان‌طور که پیش از این گفته شد و در شواهد نیز آشکار است، ساختار تلمیح متضمن مراعات‌النظیر و بسامد آن در ابیات است. مخاطب قراردادن و جان‌بخشی به عناصر مرتبط با واقعه مانند مکه، کعبه، منا، عرفات، کوفه، کربلا، شمشیر و مانند آن نیز از دیگر ابزارهای موسیقی معنوی سروده‌هاست.

* مراعات التظیر و جان بخشی

- منتظر باشید بت‌ها! یک نفر خواهد رسید از تبار بت‌شکن‌ها با تبر خواهد رسید

(مجتبی خرسندی، همان، ص ۲۰۶)

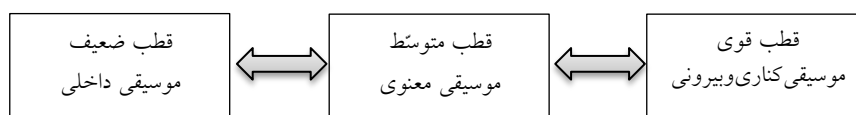
- آه ای منا! کی طاقت آوردی نگاهش را؟

در سینه‌های تنگ و زخمی، سوز آتش را

(زهرا سپه‌کار، همان، ص ۲۱۸)

کیفیت سطح موسیقایی سروده‌ها در نمایه (۱) نشان داده می‌شود:

نمایه (۱): لایه‌های موسیقایی



ب - سطح بلاغی و کارکرد بلاغی زبان

بیان مسلط بر آثار، بیان استعاری و عمدتاً برآمده از استعارهٔ مکنیه و تبعیه (با فراوانی ۱۸۰ مورد در ۷۲ غزل) است. اگرچه بن‌مایهٔ تخیل در استعاره غنی‌تر از تشبیه است و زمینه را برای آفرینش تصویرهای خیالی فراهم می‌آورد، اما بنیهٔ تخیل در استعارهٔ مکنیه و تبعیه، ضعیف به نظر می‌رسد.

حرکت ذهن در این ساختار، از مشبه حاضر به سوی مشبه‌به غایب و ثابت جان دار (و اغلب انسان) است و به آسانی از حوزه مرجع به حوزه هدف منتقل می‌شود و تصاویر استعاری را کشف می‌کند. این نکته اما از پویایی حاصل از بیان استعاری شعر نمی‌کاهد. استعارهٔ مکنیه برآمده از رویکرد برون‌گرای شاعر و پیوند جهان با انسان است. جاندارپنداری و بیش از آن انسان‌پنداری عناصر طبیعت به ایجاد تصاویری زنده در طبیعت می‌انجامد.^۹ در سوگ سروده‌های منا نیز شاعران تمامی عناصر طبیعت را شاهد و ناظر واقعه، خشمگین و معترض به وقوع آن و شریک اندوه بازماندگان قلمداد می‌کنند.

- کعبه دچار خفقاتی است سهم، قلب منا از حرکت ایستاد

باد پریشان شد و اندوه از وا شدن دست اجل ریخته

(حامد صافی، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۶۳)

- چشم زمزم اشک‌بار و بی‌گمان حَتّی غدیر

شک ندارم مثل ما اینک پریشان مناست

(زینب علی‌آبادی، همان، ص ۸۸)

در مقوله استعاره‌گونه‌ها نیز موارد معدودی از نمادپردازی قراردادی در دست است

که بیشترین نمود آن به «حَلّاج» (با فراوانی ۴ موردی)، نماد پاکبازی در راه معشوق،

تعلق دارد؛ البته امکان هم‌قافیه‌سازی آن با «حجّاج» نیز در این بسامد بی‌تأثیر نیست:

- با شباهنگان به آهنگی حجازی خوانده است

بین خاکستر، وصیت‌نامه حَلّاج را

(محمدحسین انصاری‌نژاد، همان، ص ۴۱)

- باز هم حَلّاج‌ها رفتند تا معراج عشق در منا اما بدون دار قربانی شدند

(هادی فردوسی، همان، ص ۷۲)

ساختار معنایی سروده‌ها، استنتاجی است. گستردگی مقوله معانی و اغراض ثانوی

جملات به اندازه‌ای است که ۹۰/۷ درصد جملات (۲۷۸ جمله از مجموع کل ۳۰۹

جمله) دارای معانی ثانوی است و یکی از ابزارهای عمده سراینده برای انتقال معنا به

خواننده محسوب می‌شود.

در بررسی اغراض ثانوی جملات، بیشترین بسامد به جمله خبری در معنای اظهار

تأسّف و اندوه اختصاص دارد. بر این اساس، یکی از کارکردهای اصلی سطح معانی،

بیان درد و اندوه و تأثر است که در راستای القای انگاره سوگواری قرار می‌گیرد و پس

از آن، جملات امری در معنای تهدید و توییح مقصران در رویداد منا، قرار می‌گیرد.

* جمله خبری در معنای اظهار تأثر و اندوه

- از خنده‌های خون جگر خود بریده‌ایم اشک سکوت بر لب گریان گذاشتیم

(مصطفی کارگر، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷)

- خون می‌چکید از سر و از روی حاجیان آتش گرفت طره گیسوی حاجیان
(وحید یامین‌پور، همان، ص ۲۰۰)

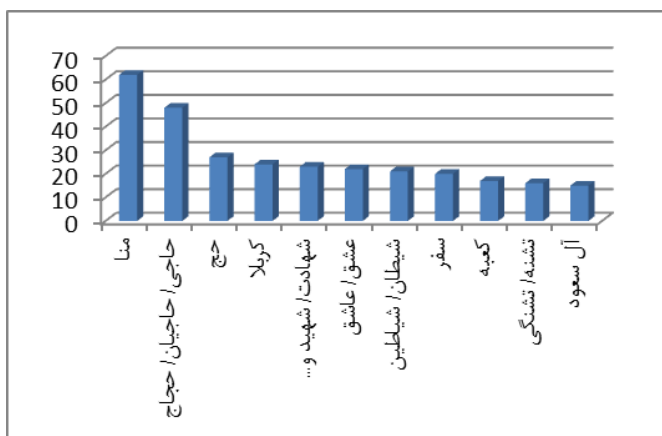
* جمله خبری در معنای تهدید و توبیخ

- چون شعله‌ای به دامن این دودمان رسد گر هم صدا شوند به آهی خموش‌ها
(احمد رضا رضائی، همان، ص ۱۲۲)

- ما مرگ شما مییم، بترسید که زود است پنهان شود این کشتی سوراخ در امواج
(مصطفی مهدی‌پور، همان، ص ۱۷۴)

ساختار زبان نیز در آثار مورد بررسی منظم، منطبق بر نحو معیار و مبتنی بر سادگی است؛ این ویژگی موجب انتقال سریع پیام از گوینده به خواننده می‌شود و در راستای مقتضیات سوگ‌سرایی قلمداد می‌شود. محوریت انگاره‌ای واقعه‌ی منا، سبب گستردگی دایره‌ی واژگانی آن، در غزل‌ها شده که از آن جمله است واژگانی که به مکان، زمان، چگونگی، قربانیان و مسببان رویداد منا اشاره دارند. در ادامه، فراوانی واژگان مذکور نمایش داده می‌شود:

نمودار (۲): فراوانی دایره‌ی واژگانی رویداد منا



با توجه به نمودار بالا، بیشترین بسامد به واژه «منا» (۶۲ مورد)، «حاجی/حاجیان/حجاج» (۴۸ بار)، «حج» (۲۷ مورد) و «کربلا» (۲۵ مورد) اختصاص دارد. این فراوانی پیوند چیش واژگانی غزل‌ها را با انگاره اصلی - واقعه‌ی منا - بخوبی آشکار

می‌کند و فراوانی واژه‌معنای کربلا در کنار دایره‌ی واژگانی مرتبط با مناسک حج و منا، نشان‌دهنده‌ی تقریب محتوایی دو واقعه‌ی مذکور در ذهن و زبان شاعران است.

- درست موسم قربان، به پای بسته‌ی شیطان چگونه کشته‌ی بینیم حاجیان منا را؟
(مرتضی حیدری آل‌کثیر، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۶۴)

- دوم مهر و شور رستاخیز، برگ‌ریزان روح در پاییز

پشت دیوار لشکر چنگیز، بودها یک به یک نبود شدند

(محمد مرادی، همان، ص ۴۴)

محوریت واقعه‌ی منا، به‌عنوان انگاره‌ی اصلی، زمینه را برای ورود واژگان غیرشعری (فارسی و غیرفارسی) در سوگ‌سروده‌ها فراهم کرده است. از آن جمله است: «آل سعود»، «نفت»، «بنز»، «دست اندر کار»، «آمار» و...

- لحظه‌لحظه می‌رسد اخبار از اقصای دور حاکی از اخبار تلخ است آخرین آمارها
(مطهره عباسیان، همان، ص ۱۶۸)

- آل سعود محشری از خون و اشک و آه در سوگ حاجیان زحج‌برنگشته ساخت
(افشین علا، همان، ص ۲۹)

عملکرد زبانی غزل‌ها بر اساس نظریه‌ی سیرل (Searle) (۱۹۳۲م)، احساسی (Expressive) است و سراینده در پی بیان احساسات خود درباره‌ی وقوع رویداد است؛ نقش زبان نیز «ادبی و هنری» قلمداد می‌شود؛ زیرا طبق نظریه‌ی ارتباط یاکوبسن، تمرکز بر خود پیام است (شمیسا، ۱۳۹۳، صص ۵۷-۵۴).

در بررسی کارکرد افعال، بیشترین بسامد متعلق است به دو فرآیند مادی^{۱۰} و رابطه‌ی ای (از نوع توصیفی)^{۱۱} که هر کدام به‌صورت مساوی جلوه‌گر شده‌اند. این فراوانی با انگاره‌ی سوگواری همسوست؛ زیرا اهتمام سراینده بر آن است که علاوه بر اخبار واقعه، به توصیف آن نیز بپردازد.

در راستای اهداف انگاره‌ای مذکور (اخبار و توصیف)، سوم شخص مفرد بیشترین بسامد را در شخص و شمار افعال به خود اختصاص داده است. بر این اساس،

محوریت ارجاعی بر «او»ی شهید است و پس از آن، با فاصله زیاد آماری، سوم شخص جمع قرار دارد که مرجع آن «حاجیان» شهید است. اول شخص جمع نیز با مرجع «ما»ی سوگوار در سومین رتبه فراوانی قرار دارد. از این طریق، سرایندگان، انگاره سوگواری را حول محور «شهید»، «شهدا» و «سوگواران بازماندگان» به خواننده القا می کنند.

* فرآیند مادی و رابطه‌ای (توصیفی)

- حالا دوباره در وطنم غم می آورند / ذی حجه را به رنگ محرم می آورند

(الهام امین، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۲۶۵)

- در ده هزار حنجره لحن صدا یکی است

نفرین به بت پرست سعودی، خدا یکی است

(سیدعلیرضا شفیعی، همان، ص ۲۶۳)

طرح‌های واژگانی (ترکیب‌های واژگانی) نیز به قطب قوی (قابل حدس و آشنا) تعلق دارد از این رو، زمینه برای نوآوری در محور افقی فراهم نیست. از آن جمله است ترکیب‌هایی چون: «آیینۀ اسما و صفات»، «خضر زمان»، «داغ مکرر»، «طواف یار»، «کاروان خسته»، «بیکر شهدا» و ...

ج - سطح انگاره‌ای

«سوگواری» و «اظهار اندوه» دو کلیدواژه انگاره‌ای در غزل‌های مناست و محورهای

عمده آن، «شهادت فرد یا افراد» و «بیان آلام و بیان اندوه» است.

این آثار برای بیان احساسات و اندوه شاعر، به‌عنوان نماینده شور و شعور اجتماعی، در سوگ درگذشتگان واقعه مناسبت شده‌اند. بر این اساس بیشترین غزل‌ها در رثای شخصیت نوعی شهید (در مقام جمع یا مفرد) سروده شده‌اند و از مرثیه‌های عمومی محسوب می‌شوند. بازماندگان شهدا و جامعه داغدار نیز از دیگر محورهای انگاره‌ای سوگ سروده‌هاست. تعداد اندکی از غزل‌ها (شش غزل) نیز در رثای شهیدی خاص از آشنایان شاعر سروده شده است که از مرثیه‌های شخصی به حساب می‌آیند.

- قاری! بعید بود نفس کم بیاوری
(فائزه زرافشان، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴)
- غم شهادتستان، یا که داغ بر دل‌مان
برای این همه غم چند بار گریه کنیم؟
(مرضیه فرمانی، همان، ص ۱۹۷)
- نه عمر نوح، نه برگ درخت‌های جهان هست
بگو که داغ دل‌م را کی و کجا بنویسم؟
(حامد عسکری، همان، ص ۳۵)
- در راستای سوگ‌سرایی منا، زیرانگاره‌های دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند که به ترتیب بسامد عبارتند از:
- * توصیف رویداد از زاویه دید دانای کل
- داغی رسید و باغ منا را برشته ساخت
در روز عید، خرمنی از خیل کشته ساخت
(افشین علا، همان، ص ۲۹)
- چو لاله تشنه و پردرد و خسته پژمردند
از آن سکوت، از آن زخم بی‌زبان چه خبر؟
(زهرا صادق‌منش، همان، ص ۱۸۰)
- * تقدیس کشته‌شدگان
- با پاره‌های جامه احرام حاجیان
فرشی سفید از پر و بال فرشته ساخت
(افشین علا، همان، ص ۳۰)
- مسخ شمشیر بود و حلق ذبیح، تیغ حج‌جایان و خون مسیح
یک به یک وارثان ابراهیم، پای‌مالان قوم هود شدند
(محمد مرادی، شهرستان ادب، ۱۳۹۵، ص ۴۴)
- * تقریب محتوایی واقعه‌ی منا با رویداد کربلا
- اگر مضایقه کردند از فرات، امروز
کنار زمزم بستند آب حیوان را
(علی نیک‌زاد، همان، ص ۱۶۶)

- ما حجّ نیمه از تو به میراث برده‌ایم وز تاک‌های فقه تو این می فشرده‌ایم
(سید محمدحسین دعائی، همان، ص ۱۴۷)

* نفرین، توبیح و تهدید دست‌اندرکاران فاجعه و تقبیح عملکرد و سیاست‌های آل

سعود؛

- نفرین به شما کوردلانی که ندیدید

جز سود خود از نفت و ره‌آورد خود از باج

(مصطفی مهدی‌پور، همان، ص ۱۷۳)

- گرچه خود انفجاری از دردم، ای دل خون کعبه! نامردیم

ما اگر از تو درنیاوردیم، آخر این خنجر فروشده را

(سید محمدعلی رضایی، همان، ص ۱۱۷)

نکته دیگر، زمان و مکان‌مند بودن اشعار است که خود، ارتباط تنگاتنگ
سوغ سروده‌ها را با فرامتن تاریخی، نشان می‌دهد. بسامد اسم مکان «منا» (۶۲ مورد)،
«کربلا» (۲۵ مورد)، «عرفات» (۱۲ مورد)، «مکه» (۱۰ مورد)، و اسم زمان «عید قربان» (۱۰
مورد)، «ذی‌الحجه» (۹ مورد) و «ظهر» (۷ مورد) تمرکز انگاره‌ای سروده‌ها را بر بیان
واقع‌گرایانه از رویداد، آشکار می‌کند.

۳- برآیند پژوهش

رویداد تاریخی منا به سال ۱۳۹۴ هـ. ش، به‌عنوان یک فرامتن تاریخی، زمینه‌ساز
زیرجریانی نو در سوگ‌سرایی معاصر شد، که با عنوان «شعر منا»، در کمیتی قابل توجه،
خود را به جامعه ادبی معاصر شناسانده است. جایگاه نخست بسامدی غزل، در این
آثار، زمینه تحلیل متنی آن را در سه سطح (موسیقایی، بلاغی و انگاره‌ای) فراهم آورد که
برآیند آن به شرح زیر است:

سطح موسیقایی آثار با قوت دو لایه کناری و بیرونی و ضعف لایه‌های موسیقی
درونی و معنوی مواجه است. تلمیح تنها ابزار قوی موسیقایی در آثار است که در

راستای القای زیرانگاره تقدیس کشته‌شدگان و تقریب محتوایی واقعه با رویداد کربلا مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین است کارکرد دوگانه موسیقی که به القای سکون و سوگ در غزل‌های رویدادمحور و پویایی و خشم درغزل‌های پیامدمحور می‌انجامد.

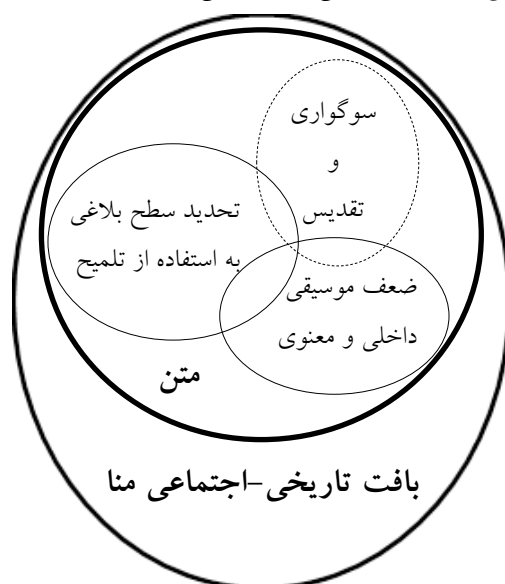
در سطح بلاغی، بیان مسلط بر آثار، بیان استعاری است که اگرچه قوت تخیل در آن بیش از تشبیه است، اما از آنجا که بیشترین بسامد به استعاره مکئیّه و تبعیه تعلق دارد و مسیر ذهن از حوزه مرجع به حوزه هدف، به آسانی طی می‌شود؛ تمایل بلاغی آثار به واقع‌نمایی ارزیابی می‌شود. بسامد چشمگیر جملات خبری در معنای ثانوی «اظهار تأسف و اندوه» نیز به تقویت لایه معانی انجامیده است که در راستای القای انگاره «سوگواری» قرار می‌گیرد. سادگی زبان، انطباق آن با ویژگی‌های زبان معیار، عملکرد احساسی و نقش هنری و ادبی زبان از جمله نکات قابل توجه در کارکردهای بلاغی زبان در غزل‌هاست.

بنابراین، دو سطح مذکور با دوری از آرایه‌بندی‌های لفظی، تخیل و پیچیدگی‌های زبانی بر معناگرایی متمرکزند و با انتقال روشن و صریح پیام به خواننده در راستای هدف انگاره‌ای غزل‌ها که همان «سوگواری و اظهار اندوه» است؛ قرار می‌گیرند. انگاره سوگواری و اظهار اندوه در غم فقدان شهدای واقعه‌ی منا با زیرانگاره‌هایی چون «توصیف رویداد، تقدیس کشته‌شدگان، تقریب محتوایی رویداد منا با واقعه کربلا و تویخ و تهدید مقصران واقعه» تقویت و به خواننده منتقل می‌شود.

همچنین، سه لایه متنی غزل‌های منا با حرکتی اندام‌وار و هماهنگ به برآمدن هدف شاعران از سرایش سوگ سروده‌های منا، منجر می‌شوند که همانا «اخبار و توصیف زوایا و پیامدهای رویداد»، «رسوایی مقصران» و «تنویر اذهان» از عمده‌ترین آنها به حساب می‌آید.

نمایه‌ای که در پی می‌آید نسبت متنی غزل‌های منا را با بافت تاریخی - اجتماعی نشان می‌دهد.

نمایه (۴): نسبت متن و بافت تاریخی - اجتماعی منا



یادداشت‌ها

- ۱- برساخته مهدی زرقانی در برگردان Ideological System (زرقانی، ۱۳۹۱، ص ۲۳)
- ۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک: زرقانی، ۱۳۹۰، صص ۷۰-۶۹.
- ۳- از آن جمله است: Dirge یا Pastoral Elegy, Monody, Threnody برای مطالعه بیشتر ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵.
- ۴-
- ۵- برای مطالعه بیشتر ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳، صص ۲۲۷-۲۲۴ و حاکمی، ۱۳۸۶، صص ۵۳-۵۲.
- ۶- برای مطالعه بیشتر درباره کاربرد انواع فعل ر.ک: انوری و گیوی، ۱۳۷۹، صص ۷۶-۴۴.
- ۷- عنوان اوزان «جویباری» از برساخته‌های شفيعی کدکنی است و به اوزانی خوش‌آهنگ و دارای استمرار ملایم اطلاق می‌شود که «از ترکیب نظام ایقاعی خاصی حاصل می‌شود که با همه زلالی و زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمی‌شود... رکن‌های عروضی در آن عیناً تکرار نمی‌شوند...»؛ منظور از اوزان «خیزابی» اوزان متفق‌الارکانی است که «ساختمان تکرار و شوق تکرار در آنها به‌طور خاصی احساس می‌شود.» (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۴، صص ۳۹۶-۳۹۵)
- ۸- برای مطالعه بیشتر ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۰، صص ۱۰۸-۱۰۷.

- ۹- هنجارگریزی معنایی به دو بخش عمده تجسم‌گرایی و تجریدگرایی تقسیم می‌شود. تجسم‌گرایی خود شامل سه گروه جاندارپنداری، سیال‌پنداری و جسم‌پنداری است که از این میان گیاه‌پنداری و حیوان‌پنداری (انسان‌پنداری و جانورپنداری) از زیرشاخه‌های جاندارپنداری محسوب می‌شوند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سجودی، ۱۳۹۰، ص ۲۶.
- ۱۰- در جواب «چه اتفاقی افتاد؟» و «چه کرد» می‌آید و بر انجام کار یا رخداد واقعه‌ای فیزیکی و غیرفیزیکی دلالت دارد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، صص ۴۱-۴۰)
- ۱۱- بر «چگونگی بودن و هستی رویدادها» اشاره دارد و به دو بخش شناسایی و توصیفی تقسیم می‌شود. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، صص ۴۱-۴۰)

منابع و مأخذ:

الف) کتاب‌ها:

- ۱- اکبری، منوچهر (۱۳۷۷)، نقد و تحلیل ادبیات شعر دفاع مقدس، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲- انوری، حسن و احمد گیوی (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی، چ ۲۰، تهران، انتشارات فاطمی.
- ۳- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۱)، شکوه شقایق: نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء.
- ۴- حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۶)، تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران (و انواع شعر غنایی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۸)، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- رزمجو، حسین (۱۳۹۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چ ۳، ویرایش ۴، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۷- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطوّر و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم به انضمام نظریه تاریخ ادبیات، چ ۲، تهران، نشر سخن.

- ۸- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۹۱)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم، تحریر ۲، تهران، نشر ثالث.
- ۹- سجودی، فرزانه (۱۳۹۰)، نشانه‌شناسی کاربردی، ویرایش ۲، چ ۲، تهران، نشر علم.
- ۱۰- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، چ ۲، ج ۳-۱، تهران، نشر پالیزان.
- ۱۱- _____ (۱۳۹۰)، ادبیات دفاع مقدس: مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی، تهران، نشر صریر.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، موسیقی شعر، چ ۸، تهران، نشر آگاه.
- ۱۳- _____ (۱۳۸۸)، صور خیال در شعر فارسی، چ ۱۳، تهران، نشر آگاه.
- ۱۴- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، انواع ادبی، ویراست ۴، تهران، نشر میترا.
- ۱۵- _____ (۱۳۹۰)، نگاهی تازه به بدیع، ویرایش ۳، چ ۴، تهران، نشر میترا.
- ۱۶- _____ (۱۳۹۳)، بیان، چ ۲، ویراست ۴، تهران، نشر میترا.
- ۱۷- شهرستان ادب (۱۳۹۵)، منا منهای بسیاران: گزیده‌سروده‌های شاعران درباره فاجعه منا، تهران.
- ۱۸- شیرشاهی، افسانه (۱۳۹۰)، شعر مقاومت و دفاع مقدس، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۹- صنعتی، محمدحسین (۱۳۸۹)، آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران، نشر صریر.
- ۲۰- مکارمی‌نیا، علی (۱۳۸۵)، بررسی شعر دفاع مقدس، چ ۳، تهران، نشر ترفند.
- ۲۱- مهاجر، مهران و محمدنوی (۱۳۷۶)، به سوی زبان‌شناسی شعر: راه‌یافتی نقش‌گرا، تهران، نشر مرکز.

ب) مقالات:

- ۱- جلالی‌پندری، یدالله؛ محمدکاظم کهدویی و مژگان میرحسینی (۱۳۸۹)، «بررسی عنصر حسرت در اندوه‌یادهای شاعران معاصر»، ادب‌غنایی، ش ۱۴، بهار و تابستان، صص ۲۶-۵.
- ۲- مهرآوران، محمود (۱۳۸۹)، «شور و شعور در آئینه بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر فارسی»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۲، پاییز، صص ۱۲۸-۱۰۳.
- ۳- یگانه، سپیده؛ مهین پناهی و مهدی نیک‌منش (۱۳۹۵)، «بازتاب فرامتن تاریخی در سوگ‌سروده‌های دفاع مقدس»، فنون ادبی، سال ۸، شماره ۲، تابستان، صص ۶۶-۴۷.